

Examining the Legal Aspects of National Sovereignty and Non-Cooperation of Governments in Line with the Application and Implementation of Human Rights

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors
Reza Noorian^{1*}

How to cite this article

Reza Noorian, Examining the Legal Aspects of National Sovereignty and Non-Cooperation of Governments in Line with the Application and Implementation of Human Rights, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2022:5(4): 926-935.

1. MA student, Department of International Law, Qom University, Qom, Iran (Corresponding Author).

* Correspondence:
Address:
Phone:
Email: reza2110.rp@gmail.com

Article History
Received: 2021/10/05
Accepted: 2022/01/04

ABSTRACT

In today's international life, many issues have become global, and many issues have become part of international issues or among issues of global interest by leaving the scope of internal issues. Among these global issues is the issue of human rights. Guaranteeing respect for human rights and, on the other hand, the need for the continuation of the life of the state in the general sense and its movement in a desirable way, are the goals that are pursued in the framework of governments. Human rights prioritize the human species in the way of preserving the inherent dignity of human beings, and the government, as the defender of the rights of society and the protector of the state, finds it necessary to limit the implementation of human rights in many cases. Trying to find a balance point between the implementation of human rights and the protection of national political components has been the source of many severe political tensions within governments. The issue becomes more sensitive when human rights defenders in the international community accuse governments of using national political components, including national security and public order, to violate human rights. Unfortunately, in spite of human rights, despite more than half a century of international efforts in the field of establishing rules and norms and establishing executive institutions and mechanisms, human rights are still facing great challenges, and considering the extraordinary importance of the issue of human rights from the point of view of the international communities and Finding human rights towards globalization, in the current research, we are investigating the legal obstacles to the globalization of human rights with a descriptive-analytical method and investigating how to remove those obstacles, which are of special importance.

Keywords: Human Rights, National Sovereignty, Global Human Rights Issues, United Nations

بررسی ابعاد حقوقی حاکمیت ملی و عدم همکاری

دولت ها در راستای اعمال و اجرای حقوق بشر

رضا نوریان^{*۱}

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق بین الملل، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

چکیده

در زندگی بین المللی کنونی، بسیاری از مسائل جهانی شده و موضوعات زیادی با خروج از شمول مسائل داخلی، جزء مسائل بین المللی یا از جمله مسائل مورد علاقه جهانی گردیده اند. از جمله این مسائل جهانی شده، موضوع حقوق بشر است. تضمین احترام به حقوق ذاتی بشر و از سوی دیگر لزوم تداوم حیات دولت به معنای عام و حرکت آن به گونه مطلوب، اهدافی است که در چارچوب حاکمیت ها دنبال می شود. حقوق بشر در راه حفظ حیثیت ذاتی انسان، نوع بشر را اولویت می بخشد و حکومت نیز به عنوان مدافع حقوق اجتماع و حافظ دوام دولت در بسیاری موارد محدود شدن اجرای حقوق بشر را لازم می بیند. تلاش برای یافتن نقطه تعادل میان اجرای حقوق بشر و حفاظت از مؤلفه های سیاسی ملی، سرچشمه بسیاری از تنش های شدید سیاسی در درون دولت ها بوده است. مسأله زمانی حساسیت بیشتری می یابد که مدافعان حقوق بشر در جامعه بین المللی دولت ها را به سوی استفاده از مؤلفه های سیاسی ملی از جمله امنیت ملی و نظم عمومی در جهت نقض حقوق ذاتی بشر متهم می نماید. متأسفانه حقوق بشر به رغم حقوق بشر به رغم بیش از نیم قرن تلاش بین المللی در زمینه وضع قواعد و هنجارها و تأسیس نهادها و سازوکارهای اجرایی همچنان با چالش های بزرگی رو به رو است و با توجه به اهمیت فوق العاده موضوع حقوق بشر از دیدگاه جوامع بین المللی و سوق یافتن حقوق بشر به سوی جهانی شدن، در پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی موانع حقوقی جهانی شدن حقوق بشر و تحقیق پیرامون چگونگی رفع آن موانع که از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد، می پردازیم.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، حاکمیت ملی، مسائل جهانی حقوق بشر، سازمان ملل متحد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴

* نویسنده مسئول: reza2110.rp@gmail.com

مقدمه

حاکمیت و استقلال عملی دولت ها مفاهیمی هستند که بنابر تعریف، موجبات تسلط کامل آن ها را در ابعاد داخلی و خارجی فراهم می آورند. روابط بین الملل نیز حول محور سیاست و از این منظر نظمی را برقرار نموده که بر پایه اصل محوری حاکمیت و مشروعیت اعمال مبتنی بر قدرت، هر کشور در صدد فرصت جهت بهره برداری و کسب منافع بیشتر است. نظم حقوقی که از این منظر حاصل می گردد به خاطر فقدان «قدرت برتر متمرکز» از نظام های حقوقی ملی متمایز است. در وضعیت فقدان قدرت برتر بین المللی، نظریه «واقع گرایی» مهم ترین نظریه در روابط بین الملل قلمداد می گردد. نظریه ای که طبق آن دولت بازیگر اصلی است، تفاوت اساسی میان سیاست خارجی و داخلی وجود دارد، قدرت در اختیار دولت هاست و در صورت حادث شدن اختلافات بین المللی، دولت های درگیر دارای حاکمیت هستند که انحصار قدرت را در اختیار دارند و سایر ارزش های اخلاقی و انسانی مبنای ارزیابی تلقی نمی گردند. در این وضعیت، دولت ها بر اساس مفهوم منافع ملی و در چارچوب قدرت و حاکمیت اقدام می کنند. مفهوم منافع در حقیقت در ذات سیاست است و تحت تأثیر شرایط زمانی و مکانی قرار نمی گیرد. (شریفیان، ۱۳۹۹، ص ۳۵)

الگویی که نهاد دولت را از یک سو محور قدرت واقعی و برتر در جامعه می داند و از سوی دیگر همه منابع، سازوکارها و ابزارهای اعمال قدرت اعم از نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را در کنترل خود دارد. با انقلاب شکوهمند انگلستان و قبل از آن در قرارداد وستفالی در ۱۶۴۸ که مفهوم دولت ملی را مطرح می سازد، مکاتبسم های تضمین کننده در قالب «منشور حقوق» در سال ۱۶۸۹ در انگلستان تدوین می گردد. ولی بعد از انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ و اعلامیه حقوق شهروند آن کشور و اعلامیه استقلال آمریکا در سال ۱۷۷۶ و اعلامیه حقوق بشر این کشور است که به طور واقعی و عملی فرایند چالش بین حقوق بشر و حاکمیت مطلقه دولت ها به جریان می افتد. با تکامل روابط بین الملل، افزایش بیش از حد ارتباط بین کشورها و گسترش قابل ملاحظه سازمان های بین المللی به ویژه از ابتدای قرن بیستم مفهوم «حقوق بشر» در فرایند «جهانی شدن» مفهومی جهانشمول گردید. با پایان پذیری جنگ جهانی اول، نگرشی نو به مسأله حقوق بشر شکل گرفت. در میثاق جامعه ملل، حیثیت و حقوق بشر مورد توجه قرار گرفت. (۱) پس از جنگ جهانی دوم حمایت بین المللی از فرد با سرعت چشم گیری گسترش یافت. مشخصه این دوره حمایت از فرد با عنایت به انسانیت اوست نه در قالب تابعیت یا عضویت وی در گروه یا اقلیتی خاص. لذا جهانی شدن محتوای حقوق بشر و لزوم همکاری و هماهنگی دولت ها در قالب های رایج در عرصه روابط بین الملل در جهت گسترش حمایت از فرد، جزئی از ماهیت حقوق بشر شد. بنابراین بررسی موانع حقوقی جهانی شدن حقوق بشر و تحقیق پیرامون چگونگی رفع آن موانع از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

تعارض حقوق بشر با حاکمیت ملی دولت ها

بوجود آمد و دیگری دادگاه بین‌المللی خاور دور که به دادگاه توکیو معروف است. این دادگاه براساس تصمیم رهبری و فرماندهی عالی نیروهای هم‌پیمان در ۱۹ ژانویه ۱۹۴۶، اعلام موجودیت کرد. دادگاه‌های نورمبرگ و توکیو، سابقه و پیشینه بسیار طولانی دارند. این دو دادگاه قانون و جوب امتناع و خودداری فرد از تطبیق و اجرای قوانین دولت متبوع خویش با قوانین بین‌المللی را در صورتی که این قوانین، با اصول و ارزش‌های انسانی در تعارض باشد به تصویب رساندند. بنابراین، میهن‌پرستی هرگز بهانه‌ای صحیح برای ناقضین حقوق بشر نبوده و رافع مسئولیت آن‌ها نمی‌باشد. همین‌طور ناقضین حقوق بشر حق ندارند با تمسک به بهانه قدرت حاکمیت که دولت از آن برخوردار است، مسئولیت‌های فردی‌شان را در خصوص جنایت علیه بشر انکار کنند.

هرچند سازمان ملل متحد مایل بود صلاحیت تشکیل این دو دادگاه را تمدید نماید، اما شرایط جنگ سرد روند پیشرفت را در این مسیر متوقف کرد. تا این که در دهه ۹۰ جنایت فجیعی که در جمهوری یوگسلاوی سابق و رواندا علیه شهروندان رخ داد، فکر ایجاد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی مخصوص یا دائم، به صورت مسئله‌ای فوری تبدیل شد. هم‌چنین در طی دهه ۱۹۹۰، شورای امنیت، براساس فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، دو دادگاه مخصوص ایجاد کرد: دادگاه بین‌المللی لاهه به استناد قطعنامه شماره ۸۰۸ مصوب ۲۲ فوریه، ۱۹۹۳ برای محاکمه جنایات مرتکب شده در اتحاد یوگسلاوی سابق از ابتدای سال ۱۹۹۱ دادگاه آروشا بنا بر قطعنامه شماره ۹۵۵ مصوب ۸ نوامبر ۱۹۹۴، برای محاکمه جنایات کشتار جمعی که در رواندا، اتفاق افتاد. (۳)

۱ دامنه اختیارات این نوع دادگاه‌ها و مشکلات و موانع اختیارات و وظایف این دادگاه‌ها، به خاطر ضعف وسایل مادی و عناصر انسانی و آیین دادرسی‌های قانونی، محدود بود و از اختیارات کامل برخوردار نبودند. لذا این امر بر روند تشکیل دادگاه و جریان دادرسی آن اثر می‌گذاشت. هم‌چنین در مسیر حرکت این دادگاه‌ها موانعی وجود داشت که اغلب اوقات تشکیل این نوع دادگاه‌ها را پیچیده و بغرنج می‌کرد. این موانع عبارت بودند از: تاسیس و تشکیل آن می‌بایست در راستای مصالح و منافع کشورهای بزرگ باشد؛

دستگیری رهبران سیاسی کشتارهای جمعی که با توجه به حامیان آن‌ها از جمله مشکلات سر راه بود؛ عدم همکاری دولت‌های خاص؛

۲ پیشرفت و تحول در ایجاد دادگاه کیفری بین‌المللی بزرگ‌ترین پیشرفت در راستای ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی در ۱۸ ژوئن ۱۹۹۸ حاصل شد و در تابستان سال ۲۰۰۲ بعد از تکمیل امضای لازم برای توافق‌نامه تاسیس دیوان، به اجرا درآمد. این دیوان، نخستین دیوان کیفری بین‌المللی دائمی است که وظیفه محاکمه مرتکبین و جنایتکارانی را به عهده خواهد گرفت که جنایاتی بزرگ و جبران‌ناپذیر انجام داده‌اند و به مجموعه و گروهی از جامعه بین‌المللی لطمه زده‌اند. این جنایات احصاء شده عبارتند

مبانی حقوق بشر و حاکمیت ملی دولت‌ها در چند مورد باهم در تعارض هستند که به شرح ذیل به بررسی مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم:

- الزام به تصویب و تطبیق قوانین داخلی با قوانین بین‌المللی الزام به تصویب قراردادهای بین‌المللی در خصوص حقوق بشر و معاهداتی که شامل ضرورت احترام به حقوق بشر است، موجب می‌شود تا دولت‌ها قوانین داخلی خود را با متن و روح این قراردادها و معاهدات تطبیق دهند. این اقدام، بنابر اصل اولویت و برتری مراجع و سازمان‌های بین‌المللی بر قوانین ملی و داخلی صورت می‌گیرد. صراحت برتری و اولویت مراجع بین‌المللی بر قوانین داخلی به‌طور وضوح در ماده ۲۷ از «توافق‌نامه‌های وین» در خصوص حقوق معاهدات مصوب سال ۱۹۶۹ ذکر شده و مورد تأکید قرار گرفته است. این ماده بیان می‌دارد: «طرف‌های معاهدات نمی‌توانند به قانون داخلی برای توجیه عدم اجرای قراردادی که بر آن توافق کرده‌اند، متمسک شوند». علاوه بر این می‌توان از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر به اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ و میثاق‌های بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوق مدنی سیاسی مصوب سال ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل و بعضی اسناد منطقه‌ای اشاره کرد. (۲)

از جمله نشانه‌های گسترده اجابت بعضی دولت‌ها به الزامات و تعهدات حقوق بشر، لغو مجازات اعدام است. این نکته قابل توجه است که برخی از این کشورها و دولت‌ها در نتیجه فشارهای سیاسی خارجی و فشارهای اقتصادی، به این الزامات بین‌المللی پاسخ مثبت داده‌اند. فشارهایی هم‌چون تهدید به توقف کمک یا اشاره به عدم اجازه به آن‌ها برای پیوستن به برخی اتحادیه‌ها، همان‌طور که نسبت به ترکیه در مقابل پیوستن به کشورهای اتحادیه اروپا، اتفاق افتاد و تاکنون نتیجه‌ای حاصل ترکیه نشده است. طبیعی است که دولت‌ها، به خاطر حفظ حاکمیت‌شان و منافع خود در برخی زمینه‌ها و به خاطر حفظ بندهایی از قراردادهایی که آن را قیدی بر حاکمیت‌شان مخصوصاً در زمینه‌های قضائی، می‌بینند با شرط گذاشتن بر بندهایی از قراردادها ناچار به پذیرش آن هستند. لذا این قبیل موضوعات سبب محدودیت اعمال حاکمیت دولت‌ها و تعارض بین آن‌ها و حقوق بشر می‌باشد.

- پی‌گیری‌های قضائی در خصوص نقض‌کنندگان حقوق بشر معمولاً پیگیری‌ها یا تعقیبات قضائی در این خصوص به دو روش اعمال می‌شود روش اول در دادگاه‌های بین‌المللی دائمی یا دادگاه مخصوص صورت می‌گیرد و روش دوم توسط دستگاه قضائی داخلی با صلاحیت بین‌المللی، مطرح می‌شود. در برخی کشورها اقدام به تصویب قوانینی داخلی به منظور مجازات مجرمین جنگ و ناقضین حقوق بشر، با هر تابعیتی، می‌کنند. برای آگاهی بیشتر در این خصوص به بررسی دو روش مزبور به شرح زیر می‌پردازیم: الف پی‌گیری‌های قضائی از طریق ایجاد یک دادگاه کیفری بین‌المللی نخستین نوع دادگاه کیفری بین‌المللی برای محاکمه مجرمین به‌طور مستقیم بعد از پایان جنگ جهانی دوم تشکیل شد. متحدین، دو دادگاه بین‌المللی ایجاد کردند که عبارت بود از: دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ که براساس توافق‌نامه لندن در ۸ اوت ۱۹۴۵

عرفی به شمار می‌رود. بعد از جنگ جهانی دوم، دادگاه ملی کشورهای هم‌پیمان، دست به محاکمه بسیاری از اتباع آلمان زدند که به ارتکاب جنایات علیه صلح و جنایات ضد بشری و جنایات جنگی متهم بودند.

تنها اسناد بین‌المللی که به این موضوع اشاره دارد، معاهدات چهارگانه ژنو در سال ۱۹۴۹ می‌باشد که در خصوص وظایف جهانی دستگاه قضائی ملی (دادگاه داخلی) در ارتباط با تجاوز و نقض گسترده حقوق بشر بین‌المللی، تأکید و صراحت داشته‌اند. لیکن تحرک دستگاه قضائی داخلی دولت‌ها ملی در این عرصه علی‌رغم اجرایی شدن معاهدات ژنو در سال ۱۹۵۰ دچار توقف شد. علت توقف فعالیت دادگاه داخلی در عرصه جهانی را می‌شود در سه مورد زیر خلاصه کرد:

- تفسیر نکردن اجرای مبانی وظایف جهانی این دادگاه‌ها؛
- طولانی شدن جنگ سرد و تأثیر آن بر روند امور جهان؛
- درج نشدن وظایف جهانی دادگاه‌های داخلی در قوانین ملی، اساسی و داخلی کشورها.

البته بعد از پایان جنگ سرد و در نتیجه تأثیر سازمان‌های مدافع حقوق بشر و گسترش و درخواست مطالبات افکار عمومی برای ایجاد دادگاه‌های قانونی برای طرد متجاوزین به حقوق بشر، اصل وظایف جهانی به عنوان وظیفه دستگاه قضائی داخلی، رونق جدیدی برای درج قوانین در این خصوص در قوانین داخلی بعضی کشورها بوجود آورد.

درج چنین قوانینی به دستگاه قضایی ملی و داخلی در این کشورها اجازه می‌دهد، تا محاکمه برخی مسئولین نقض‌کننده حقوق بشر بین‌المللی را بدون در نظر گرفتن جنسیتشان و یا وظایف و شغلشان و یا مکان وقوع جرم را پی‌گیری کنند.

بررسی موارد نقض حقوق بشر در ایران در پرتو حاکمیت ملی با مروری بر قطعنامه‌ها، گزارش‌ها و بیانیه‌های متعددی که در خصوص وضعیت حقوق بشر و نقض آن در ایران از اوایل انقلاب تا بحال صادر شده‌اند در می‌یابیم که موارد ادعا شده نقض حقوق بشر در ایران در همه قطعنامه‌ها، گزارش‌ها و بیانیه‌ها صادر شده در این زمینه از ابتدا تاکنون اولاً همواره مشابه و ثانیاً همه ساله با اندکی تغییرات تکرار شده‌اند. با علم به آنچه گفته شد تنها به مرور نمونه از این قطعنامه‌ها و گزارش‌ها می‌پردازیم:

مهم‌ترین مواردی که در طی چند سال عمر نظام جمهوری اسلامی به عنوان نقض حقوق بشر از آن توسط ایران یاد شده است عبارتند از: (۱) نقض دموکراسی (۲) خشونت علیه شهروندان (۳) تبعیض نسبت به اقلیت‌های مذهبی، آزار و اذیت بهائیان، شکنجه، اقدامات خودسرانه در بازداشت‌ها، عدم آزادی مطبوعات، نقض آزادی بیان، مجازات اعدام بیش از اندازه و فتوا علیه سلمان رشدی. در قطعنامه شماره ۱۹۸۶/۴۱ که در مارس ۱۹۸۶، کمیسیون حقوق بشر علیه ایران صادر کرده است، از اعدام‌های خودسرانه و نقض آزادی‌های اساسی چون حق آزادی از شکنجه یا رفتار غیرانسانی و یا تنبیه، حق آزادی و امنیت فردی و آزادی از دستگیری یا توقیف خودسرانه، حق برخورداری از یک دادرسی عادلانه، حق آزادی اندیشه و حق اقلیت

از: کشتار جمعی، جنایات ضد بشری، جنایات جنگی و جنایات تعرض و تجاوز به اتباع کشورهای عضو، یا افراد ساکن و مقیم در کشورهای عضو.

۳ تعارض و تضاد دیوان کیفری بین‌المللی با حاکمیت ملی دولت‌ها وظایف و اختیارات دیوان کیفری بین‌المللی با حاکمیت ملی دولت‌ها در چند مورد و موضوع در تعارض و تضاد است:

۱ هرگاه یکی از اتباع دولت‌های عضو جرمی را مرتکب شود، به‌طور معمول و طبیعی، اشکال و ایرادی بزرگ را ایجاد نمی‌کند، ولی ممکن است یکی از اتباع دولت‌های غیر عضو جرم و جنایت جنگی را در خاک دولت عضو توافقنامه ایجاد دیوان مرتکب شود به ناچار باید در مقابل دیوان، حاضر شود. این موضوع، دولت غیر امضاکننده، این پیمان را مجبور می‌کند که خودش را مرتبط با متن قانونی بیابد که قبلاً بر آن توافق نکرده است و رضایتی بر آن ندارد. (۴)

۲ از سوی دیگر، علی‌رغم اولویت پذیرفته شده برای دستگاه قضائی داخلی، آیا دولت‌های عضو، حداقل به‌طور فرضی، صلاحیت کامل برای عفو مرتکبین جرائم بین‌المللی را دارند؟ قانون سازمان یافته تشکیل دیوان، به این امر پاسخ منفی می‌دهد، در این جاست که به شکلی معین آسیب رساندن به برخی اصول حاکمیت ملی، حادث می‌شود. خطرناک‌تر از آن این است که مقامات دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، تلاش‌ها و کوشش‌هایی را که برای مصالح ملی در برخی دولت‌ها صورت گرفته و چه بسا تنها راه به فراموشی سپردن مشکلات گذشته باشد، مختل کنند. (۵)

آمریکا به عنوان قدرت بلامنزاع تلاش می‌کند، دیوان کیفری بین‌المللی را بی‌خاصیت و از ماهیتش تهی کند، اقدامات دیوان را در خصوص جنایاتی که شهروندان آمریکا مرتکب می‌شوند، خنثی نماید. آمریکا این کار را با ادعای فشار بر کشورهای امضاءکننده پیمان ایجاد این دیوان انجام می‌دهد، و در ژانویه ۲۰۰۳ کمک‌های نظامی را از ۳۵ دولت به خاطر تأیید توافق‌نامه اخیر برای تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی و عدم استثناء اتباع امریکائی از احتمال تسلیم آن‌ها به دادگاه قطع کرد. بنابراین دولت‌هایی مثل سنگال، مصر و لیبیا مجبور به امضای قراردادهایی جداگانه با آمریکا شدند که براساس آن ملزم می‌باشند اتباع امریکایی متهم به ارتکاب جنایات جنگی را به دادگاه کیفری بین‌المللی تسلیم نکنند.

ب پی‌گیری‌های قضائی از طریق دادگاه داخلی دارای صلاحیت جهانی

به صورت معمول، دادگاه داخلی یک دولت هنگامی می‌تواند دست به اقدام بزند که جرم در خاک آن کشور اتفاق افتاده باشد و مجرم یکی از اتباعش باشد. آن وقت متهم را براساس قوانین داخلی محاکمه و اقدام به صدور حکم می‌نماید.

علی‌رغم آن‌که بعضی کشورها وظیفه‌ای جهانی برای دستگاه قضائی ملی و داخلی خود، نسبت به جنایات ضد بشری و جنایات کشتار جمعی تعیین کرده‌اند، این موضوع به شکلی دقیق در اسناد بین‌المللی ذکر نشده است بلکه به‌طور معمول و دائم جزئی از قانون بین‌المللی

با اصول پاریس) بررسی شود و در صورت عدم تطابق، شیوهی اصلاح این نهادها یا ایجاد یک نهاد جدید منطبق با نظام حقوقی کشور بررسی شود.

۱. بررسی نهادهای با کار ویژه مشابه

الف) کمیسیون حقوق بشر اسلامی

این کمیسیون در سال ۱۳۵۲ به ریاست رئیس وقت قوه قضاییه تشکیل شد و اساسنامه‌ی آن به تصویب هیأت مؤسس رسید. در سال‌های بعد، اساسنامه اصلاح شد و به اعضای دولتی نقش مشورتی داده شد. اهداف این کمیسیون براساس ماده‌ی ۷ اساسنامه شامل موارد زیر میشود: تبیین و آموزش حقوق بشر از دیدگاه اسلام، نظارت بر رعایت این حقوق، ارائه‌ی راهحل و موضع‌گیری نسبت به نقض حقوق مسلمانان، رسیدگی به موارد نقض حقوق بشر، همکاری با نهادهای ملی و بین‌المللی حقوق بشر و بررسی وضعیت جمهوری اسلامی نسبت

به میثاق‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر. ساختار آن شامل هیأت مؤسس، شورای عالی، رئیس کمیسیون، دبیرخانه و کمیته‌های چهارگانه‌ی زیر است: کمیته‌ی علمی، زنان، مراقبت و پیگیری داخلی و خارجی. در مورد انطباق این کمیسیون با اصول اعلامیه‌ی پاریس دو نظر وجود دارد: بعضی معتقدند اگر ایجاد تشکیلات از سوی رئیس قوه قضاییه، بدون نیاز به تصویب قانون را بپذیریم، کمیسیون می‌تواند مصداق نهاد ملی باشد. (۹) اما بعضی با استناد به اینکه جایگاه قانونی کمیسیون در قانون اساسی یا عادی تعریف نشده است، انطباق را رد می‌کنند. (۱۰)

دیدگاه دوم از این نظر قابل قبولتر به نظر می‌رسد که اگرچه براساس بند ۱ اصل ۱۵۸ قانون اساسی، یکی از وظایف رئیس قوه قضاییه ایجاد تشکیلات متناسب با مسئولیت‌های اصل ۱۵۶ از جمله «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع» است، لکن تصریح بند یادشده بر ایجاد آن «در دادگستری» است، از این رو تشکیل نهادی با ترکیب غیردولتی و دارای بودجه‌ی مستقل از دستگاه قضایی از سوی رئیس قوه قضاییه به لحاظ قانونی محل تردید است.

ب) سازمان بازرسی کل کشور

طبق اصل ۱۷۴ قانون اساسی: «براساس حق نظارت قوه قضاییه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری، سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضاییه تشکیل میگردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند». با وجود کارکردهای شبه آمبودزمانی و عضویت سازمان بازرسی در انجمن آسیایی آمبودزمان به نمایندگی از کشور جمهوری اسلامی ایران، بعضی معتقدند به سختی میتوان آن را به عنوان یک نهاد آمبودزمان پذیرفت، زیرا در بیشتر کشورهای جهان آمبودزمان

زیر نظر قوه‌ی مقننه فعالیت میکند و در مواردی نیز با قوه‌ی مجریه در تعامل است. علاوه بر این، نهاد آمبودزمان فاقد هر گونه صلاحیت قضایی است، این در حالی است که بنابر مواد متعدد قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور این نهاد دارای صلاحیت

های مذهبی در داشتن عقیده و عمل به مذهب خودشان در ایران ابراز نگرانی عمیق شده است. (۶)

در گزارش گالیندوپل، نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر که در ۱۹۸۷ به کمیسیون حقوق بشر ارائه شده است. موارد نقض حقوق بشر در ایران تحت ۶ عنوان زیر دسته بندی شده اند: الف) حق زندگی ب) حق رهایی از شکنجه و مجازات یا رفتار ظالمانه و غیرانسانی ج) حق آزادی و امنیت فردی د) حق برخورداری از محاکمه عادلانه ه) حق آزادی وجدان، عقیده، مذهب. (۷)

در قطعنامه ۴۹/۲۰۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد که در ۲۳ دسامبر ۱۹۹۴ صادر شده است موارد نقض حقوق بشر در ایران چنین مشخص شده اند: بالا بودن تعداد اعدام‌ها، عدم رعایت استانداردهای بین‌المللی در رسیدگی قضایی، رفتار تبعیض آمیز نسبت به اقلیت‌های مذهبی، محدودیت آزادی بیان، اندیشه، عقیده و مطبوعات، تبعیض گسترده علیه زنان، استفاده وسیع از مجازات اعدام برای جرائم، نگرانی از تهدید علیه جان سلمان رشدی، عدم رعایت حقوق مردم مخصوصاً متهمین در جریان دستگیری و محاکمه، وجود قوانینی که مجازات‌های خشن و بی‌رحمانه را در بر دارد، وجود قوانینی که موجب تضییع حقوق زنان بوده و بین زن و مرد قائل به تبعیض است و به رسمیت نشناختن برخی از فرقه‌های مذهبی و اعمال تبعیض نسبت به آنها. در خصوص وضعیت حقوق بشر ایران مربوط به تناقض موجود میان قوانین اسلام و استانداردهای بین‌المللی می‌باشد به طور مثال شلاق زدن، رجم و اعدام از جمله این موارد می‌باشند. ایران باید بکوشد تا آن دسته از احکام و قوانین اسلامی را که تحت هیچ شرایطی و در هیچ زمان و مکانی قابل تغییر نیستند و با استقرار حکومت اسلامی باید اجرا شوند را مشخص و اعلام نماید و آنگاه با بیان علمی و منطقی و با اتکاء بر آمار و ارقام و تجربیات بدست آمده، محاسن و سودمندی آنها را برای جامعه ملی و جهانی تشریح نماید و تأثیر اجرای آنها را بر تقلیل جرائم و مصونیت جامعه و مغایر نبودنش با حیثیت ذاتی انسان بر شمرد. (۸) در ارزیابی بیانات فوق می‌توان نتیجه گرفت که جمهوری اسلامی ایران در رویکرد خود نسبت به حقوق بشر اولاً؛ ضمن بیان اینکه جمهوری اسلامی در راستای تعالیم عالیه اسلام و تعهدات بین‌المللی خود به حقوق بشر احترام گذاشته و جانبدار تمامی آن در جهان می‌باشد حقوق بشر موجود را عمده‌تاً ابزاری سیاسی می‌داند که دولت‌های قدرتمند در راه رسیدن به مقاصد سیاسی علیه کشورهای مخالف، همانند ایران بکار می‌گیرند. ثانیاً؛ جمهوری اسلامی با پذیرش جهانشمولی حقوق بشر تحقق واقعی آن را در گرو: الف) پایان پذیرفتن سوء استفاده‌های سیاسی صاحبان قدرت از حقوق بشر و ب) مشارکت دادن و در نظر گرفتن فرهنگ‌ها و سنن گوناگون بهنگام تدوین قراردادهای، کنوانسیون‌ها و مکانیسم‌های مختلف حقوق بشری می‌داند.

نهاد ملی حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران

در جمهوری اسلامی ایران نهادهایی وجود دارند که به لحاظ شرح وظایف، شباهت بسیاری به نهادهای ملی حقوق بشر دارند که لازم است ابتدا انطباق آنها با نهادهای ملی از نظر حقوقی (تطبیق

عبارت علاوه بر امور کلی و کلان شامل امور جزئی و موردی نیز است. (۱۳)

در مورد ایراد تداخل قوا در صورت رسیدگی به شکایات نیز باید گفت این رسیدگی قضایی نیست و میتواند صرف بررسی و اعلام شکایت به مراجع قضایی باشد که با توجه به تأیید مادهی ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ از سوی شورای محترم نگهبان که براساس آن برخی سازمان‌های مردم نهاد میتوانند اعلام جرم کنند، از اینرو به طریق اولی میتوان این صلاحیت را برای کمیسیون اصل ۹۰ به رسمیت شناخت. در نهایت این امر میتواند با استفسار از شورای محترم نگهبان حل شود، به ویژه آنکه شورای نگهبان در یکی از نظرهای تفسیری خود در مورد اصل ۹۰ قانون اساسی به شماره‌ی ۹۹۰۶ مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۲۳، از عبارت «شکایت مربوط به تخلفات مسئولین... در ارتباط با وظایف آنها» استفاده کرده است که تاب تفسیر متناسب با وظایف نهاد ملی را دارد. به هر حال به نظر میرسد که این کمیسیون شباهت زیادی به نهاد ملی حقوق بشر داشته باشد، مگر در مورد اعضای آن که همگی عضو مجلس بوده و تکرر مورد نظر اعلامیه‌ی پاریس، در آن رعایت نشده است، لکن با توجه به تجارب کشورهای مانند لهستان یا روسیه که با صرف انتصاب یک نفر به عنوان کمیسیونر یا رئیس آمبودزمان از سوی پارلمان، توانسته‌اند از کمیته‌ی هماهنگی بین‌المللی نهادهای حقوق بشر ملی درجه‌ی A دریافت کنند، میتوان به شناسایی آن در سطح بین‌المللی امیدوار بود. (۱۴)

ت) انجمن حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان
ایجاد این انجمن، براساس قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵ است که شباهت زیادی چه از لحاظ ساختاری و چه صلاحیتی با نهادهای ملی حقوق بشر دارند. به لحاظ ساختاری براساس ماده‌ی ۹ این قانون، «انجمن» تشکل غیرانتفاعی، غیردولتی و دارای شخصیت حقوقی مستقل است و در مرکز استانها و شهرستان‌ها تشکیل و در تهران انجمن ملی حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان نیز تشکیل میشود (تبصره‌های ۱ و ۲). از لحاظ صلاحیتی این انجمنها چهار وظیفه دارند عبارتند از: آگاه‌سازی مصرف‌کنندگان، ارائه‌ی مشاورت به دستگاه‌های دولتی، بررسی شکایات و ارائه‌ی مشاوره‌ی حقوقی به مصرف‌کنندگان، و ارجاع دعاوی به دستگاه ذیربط. انجام وظیفه‌ی چهارم بدین صورت است که انجمن‌ها میتوانند شکایات واصله از افراد حقیقی و حقوقی را در حدود موارد مذکور در این قانون بررسی کرده و در صورت عدم توافق طرفین (شاک و مشتکی‌عنه) یا به منظور رسیدگی قانونی به سازمان تعزیرات حکومتی ارجاع نمایند (ماده‌ی ۱۴) آنها اشکال این انجمن‌ها آن است که به لحاظ ترکیب کاملاً مردمی آنها، ضمانت اجرایی برای تشکیل آنها و در نتیجه ایجاد انجمن ملی وجود ندارد.

ث) ستاد حقوق بشر
ستاد حقوق بشر در سال ۱۳۸۴ به موجب مصوبه‌ی شورای عالی امنیت ملی و به منظور پیگیری مسائل حقوق بشر جمهوری

قضایی نیز است. (۱۱) در مورد ایراد اول باید گفت وقتی در بعضی کشورها مانند فرانسه و انگلیس، آمبودزمان زیر نظر قوه‌ی مجریه است و حال آنکه کار اصلی آمبودزمان نظارت بر اعمال اداری قوه‌ی مجریه است. بی‌شک آمبودزمانی که زیر نظر قوه‌ی قضاییه قرار دارد، استقلال بیشتری خواهد داشت. البته ایراد دوم (قرار داشتن یک صلاحیت تکمیلی بر عهده‌ی آمبودزمان چه اثری بر صلاحیت آن خواهد داشت)، قابل بحث است. اما شاید مهمترین ایراد، ترکیب اعضای این سازمان باشد که کاملاً حکومتی است و با اصول پاریس همخوان نیست. (۱۲)

پ) کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی
طبق اصل ۹۰ قانون اساسی: «هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه‌ی مجریه یا قوه‌ی قضاییه داشته باشد، میتواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه‌ی مجریه و یا قوه‌ی قضاییه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب، نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند». در ماده‌ی ۳۲ قانون آییننامه‌ی داخلی مجلس نیز آمده است: «به منظور اجرای اصل نودم قانون اساسی کمیسیونی به نام کمیسیون اصل نودم قانون اساسی تشکیل میگردد تا طبق قوانین مصوب مربوط به خود اداره و انجام وظیفه نماید».

به نظر میرسد این کمیسیون با کمیسیون‌های حقوق بشر تطابق بیشتری دارد تا آمبودزمان‌ها، چراکه محدوده‌ی فعالیت آن فراتر از مسائل اداری است. اما به دلیل اینکه زیر نظر پارلمان است به آمبودزمان‌ها شباهت دارد. البته در مورد واژه‌ی «طرز کار» (کلی یا جزئی بودن مصادیق آن) ابهام و اختلاف نظر وجود دارد، بدین معنا که آیا هر کس میتواند از نقض حق خویش به این کمیسیون شکایت کند یا موضوع شکایت صرفاً سیاستگذاری، خطمشی و... یک قوه است؟ یک دیدگاه بنا به دلایلی چون اصل تفکیک قوا (سپردن اختیار رسیدگی به شکایات شهروندان به مجلس دخالت در وظایف دستگاه قضاست) و نبود ضمانت اجرایی حقوقی برای تصمیمات کمیسیون اصل ۹۰، معتقد است که منظور از عبارت طرز کار در اصل ۹۰، امور کلی و ناظر بر سیاست‌ها و راهبردهای کلان قوای سه‌گانه است. در مقابل این دیدگاه، برخی دیگر با استناد به ادله‌ای چون مذاقه در پیشنویس قانون اساسی اصل تفسیر موسع قانون اساسی به نفع ملت؛ مفهوم مخالف ذیل اصل ۹۰ قانون اساسی (در صورتیکه مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند)، و تأیید ضمنی شورای نگهبان بر دلالت عبارت طرز کار قوای سه‌گانه بر امور جزئی و موردی (ماده‌ی ۶ قانون نحوه‌ی اجرای اصل ۹۰ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۵ که مقرر میدارد: «تغییر شغل و پست در وضعیت مسئول و یا مأمور متخلف از نظر رسیدگی تأثیری نخواهد داشت») با پذیرش صلاحیت رسیدگی به تخلف مأموران دولتی نظر اخیر را بهطور ضمنی پذیرفته و مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته است، معتقدند که منظور از این

بررسی اصول قانون اساسی نشان‌دهنده آن است که ایجاد نهاد ملی تنها از طریق لایحه قضایی، طرح مجلس یا مصوبه شورای عالی امنیت ملی امکانپذیر است. (۱۵)

الف) لایحه قضایی

براساس اصل ۱۵۸ قانون اساسی یکی از وظایف رئیس قوه قضاییه تهیه لایحه قضایی متناسب با جمهوری اسلامی است که طبق نظریه تفسیری شورای نگهبان، اولاً، محتوای لایحه قضایی را فصل یازدهم قانون اساسی به‌ویژه اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و موضوعات مربوط به آنها در اصول دیگر فصل یازدهم و سایر اصول مربوط به امور قضایی معین می‌کند؛ ثانیاً هیأت دولت نمیتواند مستقلاً لایحه قضایی تنظیم کرده و آن را برای تصویب نهایی به مجلس شورای اسلامی ارسال کند؛ ثالثاً لایحه قضایی که توسط رئیس قوه قضاییه تهیه و به دولت ارسال میشود، به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد. هر گونه تغییر مربوط به امور قضایی در اینگونه لایحه فقط با جلب موافقت رئیس قوه قضاییه مجاز است. با توجه به نظر یادشده و به دلایل زیر به نظر میرسد ایجاد نهاد ملی از طریق لایحه، تنها از مجرای لایحه قضایی و نه لایحه ی قوه ی مجریه امکانپذیر است: بررسی اصل ۱۵۶ قانون اساسی نشان میدهد قانون‌گذار اساسی در زمینه ی حمایت از حقوق شهروندی، قوه قضاییه را به طور خاص مسئول دانسته است. توضیح آنکه براساس این اصل: قوه قضاییه قوه‌ای است مستقل که «پشتیبان» حقوق فردی و اجتماعی و «مسئول» تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایفی از جمله احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع است، یعنی قانون اساسی علاوه بر وظایفی چون صدور حکم در مورد شکایات، نظارت بر اجرای قوانین و کشف جرم و تعقیب مجرمان و مجازات آنان، وظیفه دیگری را تحت عنوان «احیای حقوق عامه» بر عهده ی قوه قضاییه گذارده است. در تعریف حقوق عامه گفته شده که عبارت است از «کلیه حقوق فردی و اجتماعی ملت و مردم که عمدتاً در قانون اساسی کشورها مورد احصا قرار می‌گیرد». حقوق عامه در اصول مختلف قانون اساسی به خصوص اصل ۳ و نیز اصل ۱۹ تا ۳۴ تحت عنوان حقوق ملت به صورت تمثیلی بیان شده که مصادیق بارز آن اعم از حقوق اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، دفاعی، اقتصادی و قضایی است. (۱۶) نیز گفته شده که حقوق شهروندی جدا از حقوق عامه نیست و رابطه ی بین این دو رابطه تساوی است. بنابراین می‌توان گفت که احیای حقوق عامه همان احیای حقوق شهروندی است که به گسترش عدل و آزادی‌های مشروع منجر می‌شود. وظیفه ی نهادهای ملی حقوق بشر نیز براساس اصول اعلامیه ی پاریس «حمایت و ارتقا» حقوق شهروندی در کشورهاست. (۱۷) از اینرو میتوان چنین استنباط کرد که چون ایجاد نهاد ملی حقوق بشر یکی از راهکارهای احیای (ارتقا) حقوق عامه (شهروندی) است که براساس اصل ۱۵۶ بر عهده ی قوه قضاییه قرار دارد و نیز به دلیل اینکه یک سری از وظایف نهاد ملی شبه قضایی است، از اینرو ایجاد آن از طریق لایحه تنها در چارچوب اختیارات قوه قضاییه است و دولت نمی‌تواند در این زمینه به طور مستقل لایحه تهیه کند. البته چون لایحه قضایی

اسلامی ایران در سطح داخلی و خارجی ایجاد شد. لکن با توجه به ریاست رئیس قوه قضاییه و عضویت مسئولان حکومتی مانند وزیر امور خارجه، دادگستری و کشور و نیز مسئولان قوه قضاییه مانند دادستان کل کشور و رئیس سازمان زندانها در آن، قابلیت انطباق با شرایط اصول پاریس را به لحاظ مردمی بودن ندارد.

د) ستاد امر به معروف و نهی از منکر

این ستاد، جانشین ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر شده است. ستاد احیا اولاً دارای قانون مصوب و پاسخگو نبود؛ ثانیاً به دلیل خلأ قانونی امکان حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر را نداشت. در مورخ ۱۳۹۴/۲/۲ قانون «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» سازمانی جدید را به نام ستاد امر به معروف و نهی از منکر - که خود دارای ستادهای استانی و شهرستانی است - تشکیل داد که بیشتر اعضای آن را وزرا، رؤسای سازمانها و نهادهای حکومتی تشکیل میدهند. قبلاً بعضی محققان با توجه به شرح وظایف ستاد سابق یعنی ستاد احیا، تلاش کرده‌اند تا آن را با آمودزمان مبتنی بر اصول اعلامیه ی پاریس تطبیق دهند، لکن مانع اصلی این مطابقت را در انتصاب دبیر ستاد از سوی مقام رهبری پنداشته‌اند. (۱۶) اما به نظر میرسد این اشکال وارد نباشد، چراکه آنچه در اصول پاریس بدان تصریح شده، عدم امکان عضویت مقام‌های دولتی - به معنی قوه مجریه و نه پارلمان - به عنوان عضو دارای حق رأی در نهادهای ملی است و لذا انتصاب فردی غیردولتی به عنوان مسئول این نهاد از سوی یک مقام صلاحیت‌دار، منافاتی با استانداردهای مدنظر سازمان ملل نداشت، لکن ایراد وارد به ستاد سابق، نداشتن سند قانونی اعم از مصوبه ی مجلس یا دخالت مقام معظم رهبری در تشکیل این ستاد و دیگری دولتی (حکومتی) بودن بیشتر اعضای این ستاد بود که ایراد دوم به ستاد فعلی نیز وارد است، چراکه براساس اصول پاریس، اعضای دولتی نهاد ملی نمیتوانند حق رأی داشته باشند. اما نکته ی جالب در قانون اخیرالتصویب، اعطای مقام مشورتی به ستاد امر به معروف و نهی از منکر برای پیشنهاد صدور مجوز ایجاد سازمان‌های مردم نهاد به وزارت کشور و ستادهای استانی و شهرستانی برای تأیید و پیشنهاد برگزاری تجمعات با عنوان امر به معروف و نهی از منکر به استانداری‌ها و فرمانداری‌هاست. این در حالی است که اعضای این ستادها خود دولتی‌اند و به طور خاص وزیر کشور عضو ستاد مرکزی و فرماندار عضو ستاد شهرستان است. از اینرو اگر اعضای ستاد دولتی نبودند - حتی با وجود ریاست یکی از ائمه جمعه بر ستاد - این نهاد میتواندست با توجه به مبانی فقهی و قانونی شرح داده شده، نهاد ملی حقوق بشر جمهوری اسلامی تلقی شود و اعطای صلاحیت مشورتی یادشده نیز منطقی بود و میتواند نوعی ابتکار در تعیین وظایف برای یک نهاد ملی البته در حوزهی امر به معروف و نهی از منکر مردم به دولت باشد.

۲. مرجع ابتکار ایجاد نهاد

بین‌المللی گزارش دهد. علاوه بر این، نهادهای مربوطه مستمراً وضعیت حقوق بشر در ایران را به مورد نظارت و کنترل قرار داده‌اند.

از دیدگاه صرفاً حقوقی بین‌المللی، موازین و اصول حقوق بشر، تفکیک ناپذیر، متقابلاً وابسته و مرتبط و از همه مهم‌تر لازم‌الاجرا است؛ موضعی که در تمامی اسناد اصلی بین‌المللی حقوق بشر منجمله در میثاقین، اعلامیه وین ۱۹۹۳ و طرح اجرایی آن تأکید شده است. تفسیرهایی نیز که در این خصوص از سوی مراجع ذیصلاح همچون کمیته حقوق بشر، کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و دیگر مراجع شده، همگی بر جهانشمولی بودن حقوق بشر تأکید دارد. اصلی بنیادین که دست کم از لحاظ تئوریک از سوی جامعه جهانی پذیرفته شده ولی در عمل و اجرا این‌گونه نیست. بی‌تردید، سازمان ملل متحد تلاش‌های فراوانی در زمینه توجه به مسأله حقوق بشر و حفظ و ارتقای حقوق و آزادی‌های اساسی افراد انسانی به عمل آورده است. اما شواهد ملموس و اظهارات مقامات صلاحیتدار سازمان ملل حاکی از عدم توفیق یا کم توفیقی این سازمان در اعتلای حقوق بشر و حفظ آزادی‌های اساسی است. بنابراین لازم است کنکاشی در موانعی که این عدم توفیق یا کم توفیقی را ایجاد کرده صورت گیرد. در این راستا، موانع بسیاری در زمینه اجرای جهانی حقوق بشر وجود دارد و موانع حقوقی در زمره مهم‌ترین موانع جهانی شدن حقوق بشر، اجرای سریع و مؤثر آن را دچار ساخته است. به طور کلی موانع جهانی شدن حقوق بشر را نمی‌توان در تأیید اصولی آن حقوق دانست، بلکه در اجرای مؤثر آن حقوق تأثیر می‌گذارد. از جمله این موانع می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

عدم ممنوعیت حق شرط نسبت به معاهدات حقوق بشری باعث گردیده تا کشورها به طور فزاینده‌ای از این حق قانونی با در نظر گرفتن منافع سیاسی خود استفاده کنند و حقوق بشر را از یکپارچگی و جامعیت خارج سازند و بدین ترتیب عملاً جهانشمولی حقوق بشر را کنار بگذارند. متأسفانه امروزه انشای حق شرط در آیین‌های تضمین‌کننده حقوق بشر رو به افزایش است و در واقع تجویز حق شرط بر اکثر قابل توجهی از معاهدات حقوق بشری به دلیل جنایت‌های هولناک علیه مهاجرین و اتباع خارجی، خشونت‌های قومی و مذهبی، کشتار دسته جمعی و پاکسازی قومی که مظاهر تکان دهنده آن را در حوادث مربوط به فلسطین اشغالی، رواندا، بوسنی و هرزگوین، افغانستان، الجزایر و... شاهد بوده و هستیم، اموری است که در گزارش‌های سازمان ملل منعکس شده است و متأسفانه حجم عظیم اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌ها و قطعنامه‌های گوناگون نیز نتوانسته است مانع این روند فزاینده ضد حقوق بشری بشود. کمیساریای عالی حقوق بشر از عدم همکاری دولت‌ها با نهادهای حقوق بشری سازمان ملل و بی‌توجهی به قطعنامه‌های متعدد صادره از سوی مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر در این زمینه شکایت دارد و می‌گوید: «این واقعیت که درخواست همکاری از دولت‌ها در قطعنامه‌های مختلف مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر تکرار شده، این معنی را اثبات می‌کند که همکاری دولت‌ها کافی نیست.» برخی گزارش‌ها که از سوی ارگان‌های سازمان ملل یا دیگر ارگان‌های بین‌المللی منتشر می‌شود نشان می‌دهد که حتی

در هیأت دولت مطرح می‌شود، قوهی مجریه نیز میتواند نظرهای خود را در این زمینه به قوهی قضاییه منتقل کند و با تشریح مساعی کار به انجام برسد.

ب) طرح مجلس

با وجود استدلال بالا، با توجه به اصل ۷۱ قانون اساسی که مقرر میدارد: «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند» و با عنایت به رویه‌ی قانون‌گذاری موجود مبنی بر ورود مجلس به مسائل قضایی و عدم ایراد قانون اساسی از سوی شورای نگهبان به ورود مجلس در این زمینه، به نظر میرسد مجلس نیز امکان ابتکار ایجاد نهاد ملی را براساس ارائه‌ی طرح دارا باشد.

پ) مصوبه‌ی شورای عالی امنیت ملی

براساس بند ۲ اعلامیه‌ی اصول پاریس، ایجاد نهاد ملی یا از طریق قانون اساسی یا به وسیله‌ی یک متن قانونی امکانپذیر است که براساس نظام حقوقی کشورها ممکن است متفاوت باشد. بر همین اساس در برخی کشورها، ایجاد نهاد ملی از طریق فرمان حاکم بوده است. از این رو با توجه به وظایف شورای عالی امنیت ملی مندرج در اصل ۱۷۶ قانون اساسی مبنی بر: «هماهنگ نمودن فعالیتهای سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی» و نیز «بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی» از یک سو و نیز قرائنی مانند بند ۳۸ امور «سیاسی، دفاعی و امنیتی» مقرر در سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران (حمایت از آزادی‌های مشروع و صیانت از حقوق اساسی ملت)، و نیز حکم ذیل اصل یادشده که مقرر میدارد: «مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجراست»، به نظر میرسد امکان استفاده از این ظرفیت قانونی برای ایجاد نهاد ملی نیز امکان پذیر است. این سازوکار قانونی به دلیل حضور سران سه قوه در شورا و تأیید مصوبه از سوی مقام معظم رهبری شایان توجه است. (۱۸) همچنین با توجه به اینکه تأسیس ستاد حقوق بشر به موجب مصوبه‌ی شورای عالی بوده است، به نظر می‌رسد ایجاد نهاد ملی حقوق بشر نیز - که می‌تواند موجبات امنیت حقوقی مردم را فراهم آورد - از سوی شورا امکان پذیر باشد، اگرچه اعتبار آن نسبت به دو مورد قبل کمتر خواهد بود و میتواند راهکاری سریع اما موقت باشد.

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران با تصویب بدون قید و شرط بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر بلاخص منشور بین‌المللی حقوق بشر (اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و پروتکل‌های الحاقی)، خود را نسبت به موازین آن‌ها متعهد نموده و می‌بایست قوانین داخلی خود را بر اساس آن‌ها تنظیم و هماهنگ کند و از اقدامات و پیشرفت‌های حقوق بشر به نهادهای حقوق بشر

8. Qari Seyyed Fatemi, Seyyed Mohammad, 1401, Human rights in the contemporary world, first volume, an introduction to theoretical issues: concepts, foundations, territory and sources, Shahr Danesh, Tehran.
9. Mousavifar, Razia; 1400, Human Rights Institutions: The Islamic Republic of Iran and the United Nations, Publications of the Faculty of Law and Political Sciences of the University of Tehran, Tehran, first edition.
10. Hashemi, Seyyed Mohammad; 1401, Human rights and fundamental freedoms, Mizan publishing house, Tehran
11. Mosizadeh, Ebrahim; 2019, Ombudsman and its similar institutions in the legal system of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Dadgstar, first chapter
12. Maggi, Amir, 1400, National Institute of Citizen Rights, Legal Thinkers, No. 6
13. Christianam, Serna, 2015, cultural diversity and the universality of human rights, translated by Mohammad Hossein Mozafari, Nameh Farhang, 8th year, 2nd issue
14. Rezaeizadeh, Mohammad Javad and Saeed Abedi; 2019, Ambassador: Guardian of Citizens' Rights, Innovator of Administrative Reforms, Law Quarterly, Volume 40
15. Talabaki, Akbar and Firoz Aslani; 2019, Studying the necessity of following the example of Hasba institution in the redesign of regulatory institutions in the legal system of the Islamic Republic of Iran, Proceedings of the 4th Conference of the Iranian Islamic Model of Progress, Iranian Islamic Model of Progress Center, Vol. 1, Volume 1
16. silver work, Mohammad Saleh; 2018, the role of the prosecutor in protecting public rights, Tehran: Jangal
17. Sharifi-Tarz-Kohi, Hossein, 1400, Human Rights in the Light of International

حقوق اولیه انسانی به نحو وسیعی نقض می‌شود و این نقض، روند رو به رشد دارد. به گفته گروه‌های حقوق بشر، تعهد به حقوق بشر روز به روز کمرنگ‌تر می‌شود و در این راستا بسیاری از این دولت‌ها، حاکمیت ملی و منافع خویش را بر حقوق بشر ترجیح می‌دهند و از این طریق مانع جهانی شدن این حقوق می‌شوند. سکوت یا تجویز صریح یا عدم ممنوعیت حق شرط، موجب گردیده تا زخمی عمیق بر پیکره این معاهدات وارد آید. در بسیاری از کنوانسیون‌های حقوق بشری امکان و نحوه خروج یک دولت عضو از کنوانسیون پیش‌بینی شده و در برخی هم در این خصوص سکوت اختیار کرده و منع و جوازی نسبت به خروج اعضا مقرر نداشته‌اند. بنابراین امکان خروج کلی یا جزئی از معاهدت حقوق بشری که چه به دلیل صراحت باشد و چه به دلیل سکوت، فضای تیره و تاری را برای حقوق بشر ایجاد کرده و می‌تواند یکی از مانع حقوقی باشد که اجرای حقوق بشر را دچار بحران و چالش نموده است. حاکمیت دولت‌ها، اغلب مانع تحقق جهانی حقوق بشر می‌شود. آن چه که دولت‌ها در سراسر جهان مدعی آن هستند با آن چه که در داخل کشور عمل می‌کنند، به سختی هماهنگی دارد. حاکمیت سیاسی کشورها باعث می‌شود تا هر دولتی با اعمال قوانین ملی، حاکمیت و اقتدار خود را حفظ کند و تحت تأثیر یک مرجع قانونگذاری خارجی قرار نگیرد.

References

1. Ansari, Baqir and colleagues, 2018, Human Rights Education, Tehran, Majd Publications, first edition.
2. Shahram Niya, Amir Massoud, 2019, Globalization and Democracy in Contemporary Iran, Tehran, Contemporary Perspective.
3. Tajik, Mohammadreza, 2016, "The process of globalization and evolution of Iranian society", Strategic Studies Quarterly, year 4, number 3.
4. Mirabbasi, Baqer and Mirabbasi, Rozi, 2017, The Global System of Evaluation and Protection of Human Rights, First Edition, Tehran, Jungle Publications
5. Ghafouri, Mohammad, 2016, International Organizations, Tehran, Somit Publishing
6. Mehrpour, Hossein, 2018, International Human Rights System, first edition, Tehran, Information Publications
7. Amir Arjamand, Ardeshir, 1401, collection of international human rights documents, first volume, Tehran, Shahid Beheshti University Press.

Developments, First Edition, Tehran, Dadgstar Publishing House

18. Talabaki, Akbar and Firouz Aslani, 1400, re-reading the legal foundations of commanding good and forbidding evil with a view of contemporary human rights, Islamic Law, vol. 47